

## چکیده

بین‌المللی سازی آموزش عالی از یک سو به منظور مواجهه مناسب با پدیده جهانی شدن و از سوی دیگر بدلیل منافع حاصل از آن در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و علمی، به یک استراتژی ضروری برای دولت‌ها تبدیل شده است. موج جدید بین‌المللی سازی آموزش عالی در کشور براساس برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶)، نشان از عزم جدی ایران در اجرایی کردن این سیاست در سطحی گسترده دارد. از این رو این مقاله حاضر تلاش دارد تا از طریق تحلیل بین‌المللی سازی آموزش عالی با رویکرد سیاستگذاری، پشتوانه‌های نظری لازم را برای اجرای آگاهانه این سیاست، به صورت فرایندی هدفمند، مستمر و نظام مند ارائه نماید. نتایج پژوهش حاضر حاکی از این است که علیرغم وجود کمترین چالش در مولفه محتوا به دلیل برخورداری از پشتوانه اسناد بالادستی، بیشترین چالش به مولفه فرایند بدلیل عدم شفافیت سیاستگذار در تعریف تصمیم‌گیری در قالب چرخه سیاستگذاری و همچنین مولفه بازیگران به عنوان عامل تاثیرگذار در اجرای فرایند تعلق دارد. توصیه سیاستی برای حل این چالش، تعهد و الزام سیاستگذاران و تصمیم‌گیران به سه نکته اصلی است: ۱. اجرای سیاست بین‌المللی سازی بر اساس چرخه و مدل‌های سیاستگذاری. ۲. ایجاد شبکه سیاست- دانش از طریق فعال نمودن دفاتر دانشگاه پژوهی در سطح سازمانی و تقویت نهادهای سیاست پژوه در سطح بخشی/ ملی. ۳. تقویت نهادهای تسهیلگر در فعالیت‌های بین‌المللی.

## کلیدواژه:

آموزش عالی، بین‌المللی سازی، مدل تحلیل سیاستی والت و گیلسون، بازیگران.

## مقدمه

در دنیای در حال تغییر امروز، جهانی سازی فرایند آموزش، موجب ارائه ایده بین‌المللی شدن آموزش عالی خصوصاً در کشورهای در حال توسعه شده است (ذوالفقاری ۱ و همکاران، ۲۰۰۹). نایت (۲۰۱۵) دلایل منطقی برای بین‌المللی سازی را با توجه به تغییرات و چالش‌های پیش روی آموزش عالی، در دنیایی که بیش از پیش جهانی است، ضروری می‌داند. آلتباخ ۳ و همکاران (۲۰۰۹) بین‌المللی سازی را دربردارنده سیاست‌ها و برنامه‌های گوناگونی بیان می‌کند که دانشگاه‌ها و کشورها در واکنش به جهانی شدن به کار برده‌اند. وندام ۴ (۲۰۰۲)، بین‌المللی شدن را پاسخی به فرصت‌ها و چالش‌های جهانی شدن می‌داند و کیانگ ۵ (۲۰۰۳)، بین‌المللی شدن آموزش عالی را یکی از راه‌های واکنش به جهانی شدن و هم‌زمان، احترام به فردیت ملت‌ها مطرح می‌کند. بر اساس تعریف شورای آموزش آمریکا (۲۰۱۱) «بین‌المللی سازی طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های علمی و عملی است که به افراد برای فهم بهتر محیطی که در آن زندگی می‌کنند، ارتباط با افرادی و رای‌مرزهای کشور خودشان، و دستیابی به درک درستی از نظام‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دیگر ملت‌ها و تعاملات بین ملت‌ها کمک می‌کند». براساس دیدگاه هودزیک (۲۰۱۳) بین‌المللی شدن یک راه مستمر و بی‌پایان و نیازمند سازگاری مستمر آموزش عالی با تغییرات دائمی محیط جهانی براساس فرصت‌ها و

تحلیل بین‌المللی سازی آموزش عالی -

در ایران

با تاکید بر نقش بازیگران

فیروزه اصغری (نویسنده مسئول)

عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات

فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و

فناوری

firoozeh.asghari@gmail.com



چالش ها است. خورسندی (۱۳۹۵) بین‌المللی شدن را عاملی برای تبیین فعل و انفعال‌ها و فراز و فرودهای نظام‌های آموزش عالی و بهسازی هویت دانشگاه امروزی عنوان می‌کند.

در چند سال اخیر موج جدید بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران، با استناد به اسناد بالادستی در سطحی نسبتاً گسترده در حال شکل‌گیری است. سیاستگذاران آموزش عالی و مدیران دانشگاهی، به دفعات با اشاره به اهمیت بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، به این نکته اشاره کرده‌اند که هدف بزرگ آموزش عالی ایران « بین‌المللی کردن دانشگاه‌ها » است. تشکیل شوراها و کمیته‌های مرتبط، امضای تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای متعدد با موسسات آموزش عالی خارجی، سفرهای متقابل مدیران دانشگاه‌های ایرانی و خارجی در کنار فعالیت‌های روزافزون برگزاری نشست‌ها و همایش‌های مختلف و ارائه گزارش‌های مستمر از افزایش فعالیت‌های بین‌المللی، نشان‌دهنده تصمیم جدی و رسمی نظام آموزش عالی در جهت گسترش فعالیت‌های بین‌المللی آموزش عالی ایران است که خصوصاً در فضای ایجاد شده «پسا برجام» سرعت بیشتری گرفت. بگونه‌ای که در برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶) اهداف زیر مطرح و دولت بودجه لازم را برای تحقق برنامه در خصوص پیش‌بینی نموده است:

ارتقای سهم دانشجویان خارجی، ارتقای رتبه تولید کمی‌مقالات در دنیا، افزایش تعداد اختراعات و ابداعات ثبت‌شده در مراجع بین‌المللی، افزایش درصد تعداد مقالات مشترک با محققان خارجی، افزایش تعداد دانشگاه‌ها در صد دانشگاه برتر آسیا، افزایش تعداد شعب خارجی دانشگاه‌های کشور و افزایش تعداد نشریات ایرانی نمایه شده در پایگاه بین‌المللی علمی و دارای ضریب تأثیر و تعداد مقالات نمایه شده در پایگاه استنادی جهان اسلام.

اما آنچه در حال حاضر و در طول برنامه ششم توسعه، دارای اهمیت است، توجه تصمیم‌گیران و سیاستگذاران به این نکته است که اتخاذ این تصمیم سیاستی اگرچه از پشتوانه اسناد بالادستی و حمایت ذی‌نفعان دولتی در سطح ملی برخوردار است اما به منظور تحقق برنامه، نیازمند شفافیت در چگونگی اجرا بر اساس زمینه و بافتار خصوصاً در وضعیت فعلی کشور است که تعاملات و ارتباطات بین‌المللی متأثر از نافرجام بودن برجام بدلیل عدم تعهد دولت ترامپ در حال کاهش است. از سوی دیگر بازیگران در بین‌المللی سازی از کنشگران اصلی در سیاستگذاری، برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی محسوب می‌شوند که نیازمند توجه ویژه هستند. از این رو پژوهش با استفاده از مدل مثلثی والت و گیلسون (۱۹۹۴) به تحلیل مولفه‌های محتوا، زمینه، فرایند و بازیگران در بین‌المللی سازی پرداخته است. در این مقاله به اختصار به این مولفه‌ها اشاره و بدلیل محدودیت در حجم، صرفاً به تحلیل نقش بازیگران در پاسخ به این پرسش که نقش بازیگران در فرایند بین‌المللی سازی چگونه است، بسنده شده است. انتظار می‌رود مقاله حاضر به سیاستگذاران و تصمیم‌گیران بین‌المللی سازی آموزش عالی در توجه به نقش اساسی عناصر مورد تحلیل در بین‌المللی سازی به منظور تحقق برنامه و همچنین برنامه ریزی عقلایی در چرخه بعدی سیاستگذاری کمک نماید.

## ۱. مبانی نظری

نایت (۱۹۹۴) فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها را در قالب یک چرخه بین‌المللی شدن ۸ شامل ۶ گام مستمر و متوالی بیان می‌کند: آگاهی ۹ ارکان اصلی دانشگاه (ایجاد آگاهی در استادان، دانشجویان و کارکنان و مدیران درباره اهمیت و منافع بین‌المللی شدن دانشگاه) و همچنین جامعه از اهداف و مزایا و ضرورت آن؛ ایجاد تعهد ۱۰ در استادان، دانشجویان، کارکنان و مدیران دانشگاهی؛ برنامه ریزی ۱۱ و اتخاذ استراتژی جامع در خصوص بین‌المللی شدن براساس نیازها، اهداف و انتظارات؛ عملیاتی کردن ۱۲ فعالیت‌ها از طریق اجرای استراتژی‌های بین‌المللی شدن از ابعاد مختلف؛ ارزیابی ۱۳ مستمر به منظور ارتقای کیفیت فرایند بین‌المللی شدن؛ تقویت ۱۴ انگیزه ذی‌نفعان و مشارکت کنندگان (کارکنان، استادان و دانشجویان) در اقدامات و فعالیت‌های بین‌المللی شدن دانشگاه.

دوویت (۲۰۰۲) چرخه بین‌المللی سازی نایت (۱۹۹۴) را با استفاده از سه مولفه در مدل واندروانده (۱۹۹۸) ادغام و آن را به صورت مدل اصلاح شده‌ای که بنظر می‌رسد به نوعی متأثر از مدل‌های سیاستگذاری است، ارائه کرده است. سه مولفه اضافه شده عبارتند از: «تحلیل زمینه»، این مرحله، قبل از مرحله آگاهی مطرح شده است و بر تحلیل زمینه‌های درونی و بیرونی در اسناد و بیانیه‌های سیاستی تأکید شده است.

«اجرا». اجرای برنامه و استراتژی‌های سازمانی پس از مرحله عملیاتی کردن که موجب سهولت مرحله بازبینی به منظور افزایش کیفیت و ضمانت اثرات برنامه می‌شود.

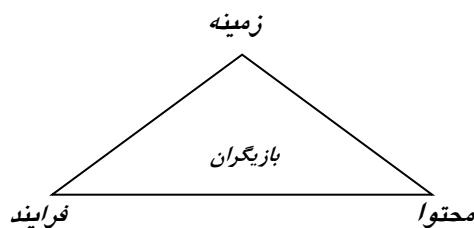
ارزیابی «تأثیرات بلندمدت» و یا به معنایی دیگر کشف تأثیر تلفیق در آموزش، پژوهش و خدمات دانشگاه است که بر رصد میزان موفقیت در برنامه‌های درازمدت دانشگاه در این حوزه اشاره دارد.



چارچوب مفهومی حداد و دمسکی (۱۹۹۵) برای تحلیل سیاست آموزشی، شامل مراحل هفت‌گانه‌ای است که علاوه بر مراحل سیاستگذاری، به فرایند قبل و بعد از سیاستگذاری نیز توجه نموده است. در این مدل مراحل به اختصار عبارتند از: تحلیل وضع موجود، شکل‌گیری گزینه‌های سیاستی، ارزیابی گزینه‌های سیاستی، اتخاذ یک تصمیم سیاستی، برنامه‌ریزی برای اجرا، ارزیابی اثرات سیاست و چرخه سیاستگذاری بعدی (حداد و دمسکی، ۱۳۸۸).

بابایی و توکلی (۱۳۹۴) در بحث پیشگیری از شکست سیاست و دستیابی به نتیجه مطلوب، مراحل اصلی چرخه سیاستگذاری را شامل تعریف و انتخاب مساله، تدوین و ارزیابی پیشین، اجرا و ارزیابی حین اجرا و در نهایت ارزیابی پسین عنوان کرده‌اند. مدل پیشنهادی سیاستگذاری بابایی و توکلی (۱۳۹۴) بدلیل نگاهی جامع به سیاستگذاری از مدل‌های مطرح در این حوزه است که بدلیل توجه به کمیته خبرگی در فرایند سیاستگذاری از ایده‌نویی برخوردار است. نکته‌ای که در بخش بازیگران این مقاله مورد توجه قرار گرفته است.

دیدگاه والت و گیلسون (۱۹۹۴) که به تحلیل سیاست سه‌وجهی ۱۷ معروف است شامل ۴ محور مرتبط بهم، در هم تنیده و تاثیرگذار در عین حال نظام مند شامل زمینه ۱۸ یا بافتاری که سیاست در آن بروز نموده است، محتوای ۱۹ سیاست، فرایند ۲۰ تصمیم‌گیری و اجرای سیاست و در نهایت بازیگران ۲۱ درگیر در سیاست است.



شکل شماره یک: مدل تحلیل سیاستی والت و گیلسون (۱۹۹۴)

منبع: والت و گیلسون، ۱۹۹۴

«محتوا به معنای ماهیت و اهداف اصلی از تحقق سیاست است که به چیرستی سیاست اشاره دارد. زمینه به دلایل نیاز به سیاست و متاثر از عوامل متعددی مانند عوامل وضعیتی ۲۲، عوامل ساختاری ۲۳، عوامل فرهنگی و اجتماعی ۲۴ و عوامل جهانی ۲۵ اشاره دارد. فرایند به چگونگی برنامه‌ریزی و اجرای سیاست پاسخ می‌دهد. بازیگران هم‌کسانی هستند که در تدوین سیاست و اجرای آن مشارکت و همچنین افراد تاثیرگذار دارند» (الت و گیلسون، ۱۹۹۴). کلید اصلی در این مدل، پیوستگی و ارتباط متقابل مولفه‌های سه‌گانه محتوا، زمینه و فرایند و تاثیر مولفه بازیگران بر هر سه آنهاست.

## ۲. روش‌شناسی

مطالعه حاضر با رویکرد کیفی انجام شده است. جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های گروهی با مدیران و دانشجویان خارجی و همچنین منابع و اسناد کلیدی و تحلیل داده‌ها برپایه مدل تحلیلی والت و گیلسون و براساس چهارمولفه محتوا، زمینه، فرایند و بازیگران صورت گرفته است. داده‌های حاصل از اسناد بالادستی، مستندات موجود در وزارت علوم، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های سیاستی، مصوبات جلسات مرتبط و همچنین تجربیات زیسته حاصل از مصاحبه‌های گروهی و گفتگو با مدیران دانشگاه‌های بین‌المللی و دانشجویان خارجی مشغول به تحصیل در ایران امکان تحلیل سیاست بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران با رویکرد سیاستگذاری و با استفاده از ملاحظات نظری پژوهش در قالب ارائه یک مدل را فراهم ساخت. در این مقاله، بدلیل محدودیت، ضمن اشاره مختصر به سه مولفه محتوا، زمینه و فرایند، نقش کلیدی بازیگران در چرخه بین‌المللی سازی در ایران مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.

### ۳. یافته ها

در بخش یافته ها به اختصار به محتوا و زمینه اشاره و سپس بطور مفصل به نقش بازیگران در فرایند بین المللی سازی اشاره خواهد شد. آشنایی با این مولفه ها امکان فهم بهتر تحلیل بازیگران و نقش مرکزی آنها در چرخه بین المللی سازی را آشکار می سازد.

#### ۱.۳. محتوای بین المللی سازی آموزش عالی در ایران

فهم اولیه از محتوای سیاست بین المللی سازی با اسناد، قوانین، آیین نامه ها، دستورالعمل ها و شرح فعالیت های داخلی مراکز، دفاتر و شوراهای مرتبط محقق شد. آموزش عالی ایران، بین المللی سازی را براساس اسناد بالادستی مندرج در قانون اساسی، برنامه های پنج ساله، سند چشم انداز، سیاست های کلی علم و فناوری و سند جامع علمی کشور در راس فعالیت های سیاستی خود قرار داده است. اهداف و اولویت های بین المللی سازی آموزش عالی به وضوح در اسناد بالادستی آشکار است.

«جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان» (سیاست های کلی علم و فناوری، ۱۳۹۳) «پیشتازی در مرزهای علم و فناوری با مرجعیت علمی در جهان»، «ارتقاء جایگاه زبان فارسی در بین زبان های بین المللی»، «شبکه سازی»، «افزایش آگاهی برای مقایسه و شناسایی نقاط قوت و ضعف برای همگامی با پیشرفت های علمی دنیا در امر بین المللی سازی بویژه در امور فرهنگی، علمی و فناوری»، «استفاده از دانشمندان ایرانی خارج از کشور» (سند چشم انداز، ۱۳۸۴)؛ گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه ای، جهانی و بویژه جهان اسلام (نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹)؛ «برنامه ریزی و سیاستگذاری به منظور ارتقا و افزایش سطح همکاریهای علمی- بین المللی» رهبری (آیین نامه جامع مدیریت، ۱۳۹۰، ۲۶)؛ «تأمین بخشی از هزینه های دانشگاه ها از طریق پذیرش دانشجوی خارجی» (برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۵)؛ گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین المللی از طریق راه اندازی دانشگاههای مشترک، برگزاری دوره های آموزشی مشترک، اجرای مشترک طرحهای پژوهشی و تبادل استاد و دانشجو با کشورهای دیگر با تأکید بر کشورهای منطقه و جهان اسلام (برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۹)؛ «گسترش همکاری و تعاملات بین المللی» «ایجاد واحدها و شعب آموزش عالی با مشارکت دانشگاه های معتبر بین المللی»، افزایش جذب دانشجویان خارجی، افزایش تعداد مقالات مشترک با محققان خارجی، تعداد نشریات ایرانی نمایه شده در پایگاه های بین المللی (برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۶). در واقع اتخاذ تصمیم سیاستی بین المللی سازی به پشتوانه اسناد بالادستی از پشتوانه لازم و در عین حال متقن برخوردار است.

شورای سیاستگذاری بین المللی کردن آموزش عالی (۲۷) (۱۳۹۴)، به عنوان بالاترین شورای تصمیم گیر و رسمی، «بین المللی شدن آموزش عالی را روند به هم تنیده کارکردهای آموزشی، پژوهشی، خدمات تخصصی و دیگر کارویژه های دانشگاهی در سطوح محلی، ملی، منطقه ای و جهانی» تعریف نموده و بر اساس آن رویکردها و استراتژی های لازم را تعیین کرده است. «راه اندازی و توسعه دیپلماسی علمی و فناوری از طریق همکاری های دانشگاهی، تبادل استاد و دانشجو به منظور جذب سرمایه اجتماعی، اقتصادی، هم سرمایه تبلیغی و فرهنگی برای کشور با هدف حفظ منافع ملی، افزایش کیفیت علمی و گسترش توانمندی کشور در منطقه و سطح بین الملل» که بطور مستمر در سخنرانی های سیاستگذاران وزارت علوم از جمله سالار آملی (۱۳۹۴) به آن اشاره شده است، به اختصار مشخص کننده دلایل اصلی سیاستگذاران در بین المللی سازی است. استراتژی های اعلام شده برای تحقق اهداف فوق عبارت است از «جذب دانشجویان و اساتید خارجی، پیاده کردن برنامه های آموزشی مشترک مانند استفاده از استاد راهنمای مشترک و ...، همکاری با ایرانیان مقیم خارج کشور، اعطای فرصت مطالعاتی به اساتید یا فارغ التحصیلان خارجی داوطلب یا داوطلبان ایرانی مقیم خارج از کشور، عملیاتی کردن تفاهم نامه های امضا شده، انجام پروژه های مشترک پژوهشی توسط استادان ایران و خارجی، افزایش فرصت های مطالعاتی استادان ایرانی، انعقاد پروژه های بزرگ بین المللی و افزایش شرکت های علم و فناوری» (وزارت علوم، ۱۳۹۵).

براساس داده های پژوهش کمترین چالش مورد اشاره در این بخش به چشم می خورد. تعاریف، اهداف و دلایل اگرچه در مواردی پراکنده اما از انسجام نسبی برخوردار است. در این بخش یکی از چالش های پر استناد که توسط مشارکت کنندگان مطرح شد ابهام و عدم همخوانی محتوای اسناد بالادستی در سطح عملیاتی است، منع آموزش به زبان غیر فارسی در دانشگاه های کشور بر اساس قانون اساسی یکی از این چالش هاست.



### ۲.۳. زمینه بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران

گام اول در چرخه سیاستگذاری، تحلیل وضعیت موجود ( حداد و دمسکی، ۱۹۹۵) به منظور آگاهی از زمینه ای است که سیاست در آن اجرا می‌شود. در چرخه بین‌المللی سازی نیز، دوویت (۲۰۰۲) تحلیل زمینه را به عنوان مرحله ای لازم و ضروری به چرخه بین‌المللی سازی نایت (نایت، ۱۹۹۴) اضافه و آن را مقدمه برنامه ریزی و اجرا در بین‌المللی سازی ذکر کرده است. براساس این رویکرد هر کشوری و حتی هر دوره زمانی برنامه ریزی سیاستی خاص را می‌طلبد که تا حد زیادی به شرایط خاص کشور در آن برهه مربوط می‌شود. این امر به سیاستگذاران در انتخاب سیاست های مناسب و همچنین گزینه های جایگزین در صورت تغییر وضعیت کمک خواهد نمود. فراسخوآه (۱۳۹۲) در ارائه تعریفی از سیاست به ارائه گزینه های بدیل برای تصمیم گیری به شرایط و موقعیت اشاره دارد.

تحلیل زمینه براساس دیدگاه والت و گلسون (۱۹۹۴) به این پرسش اساسی پاسخ خواهد داد که سیاست در چه زمینه ای اجرا خواهد شد. از نظر والت و گلسون (۱۹۹۴) زمینه در دو سطح کلان ۲۸ و خرد ۲۹ قابل تحلیل است. از آنجاییکه سیاست بین‌المللی سازی آموزش عالی، در سطح ملی تعریف شده است، تحلیل سطح کلان باید شامل ارزیابی وضع موجود کشور از ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی، منطقه ای و بین‌المللی و در سطح خرد شامل وضعیت آموزش عالی کشور از ابعاد و زوایای مختلف باشد.

بسیاری از چالش های مطرح شده درباره بین‌المللی سازی، براساس تجربیات مشارکت کنندگان در پژوهش، متأثر از اختلال در هر دو سطح خرد و کلان است. براساس داده ها، در سطح دانشگاه ها با چالش فراوانی از سوی دانشجویان خارجی و مدیران دانشگاهی مواجه شدیم که بسیاری از این چالش ها مشکل آموزش عالی ایران در سطح ملی است. مواردی مانند نظام آموزشی متمرکز، مستقل نبودن دانشگاه، حاکمیت سیستم بوروکراتیک، بروز نبودن دانش استادان، عدم برخورداری دانشگاه از امکانات و تسهیلات دانشگاهی، بودجه اندک و ... این چالش ها اگرچه تکراری و در مطالعات مختلف به آن اشاره شده است، اما از این رو دارای اهمیت است که سیاستگذاران و تصمیم گیران آموزش عالی را با این واقعیت روبرو می‌سازد که اجرای سیاست بین‌المللی سازی در وهله اول نیازمند بهبود وضعیت کنونی نظام آموزش عالی ایران است (اصغری، ۱۳۹۵). «عدم پذیرش و آمادگی استادان برای بین‌المللی سازی، عدم پذیرش دانشجویان خارجی، خصوصاً از برخی از کشورها توسط دانشجویان ایرانی، کمبود کارکنان مجرب، ناکافی بودن تسهیلات دانشگاه، کمبود تجهیزات دانشگاهی، امکانات ناکافی خوابگاه ها، کمبود تجهیزات و دانش فنی، نداشتن ساختار سازمانی مناسب برای ارتقا و گسترش همکاری های بین‌المللی، رویه ها و قوانین (پرداخت حقوق به دلار و ...)، مستقل نبودن دانشگاه ها و مراکز پژوهشی در جذب استاد و دانشجوی خارجی، فقر اطلاعاتی از فعالیت های در حال انجام بین‌المللی در سطح دانشگاه ها، پراکنده کاری، عدم عضویت موثر دانشگاهیان در انجمن های علمی خارج از کشور، کمبود اعتبارات علمی برای شرکت در مجامع و تعداد اندک فرصت های مطالعاتی و عدم استفاده درست از فرصت ها، کمبود اعتبار برای ارتقای فناوری دانشگاه، تعداد اندک فعالیت های فرهنگی برای دانشجویان خارجی، و موارد مشابه دیگر در حوزه های فناوری مانند میزان دسترسی به پایگاه های اطلاعاتی، پهنای باند، سرعت اینترنت و میزان فیلترینگ» از دیگر موارد قابل اشاره توسط مشارکت کنندگان است که به نوعی انعکاس چالش های موجود در داخل نظام آموزش عالی ایران است. براساس داده های پژوهش، خارج از محیط دانشگاه نیز چالش ها در سطحی بسیار متنوع مطرح شده است. چالش دیپلماتیک در صدور ویزا و رواید برای دانشجویان و استادان خارجی، که در مواردی به از دست دادن زمان ثبت نام در زمان مقرر و یا انصراف از ادامه تحصیل منجر می‌شود تا چالش های بین فرهنگی دانشجویان خارجی چه در سطح دانشگاه و چه در سطح شهر که هم توسط دانشجویان خارجی و هم مدیران دانشگاهی بسیار مورد تاکید بوده است. تغییرات سیاسی تاثیرگذار در اجرای سیاست بین‌المللی سازی در ایران مانند برجام و پس از برجام و همچنین شرایط اقتصادی کشور از دیگر موارد تاثیرگذار در بین‌المللی سازی بوده است که به نقش زمینه و ضرورت تحلیل آن در اجرای موفق سیاست اشاره داشته اند.

تحلیل زمینه به عنوان اولین گام در فرایند بین‌المللی سازی ضامن موفقیت در گام های بعدی است. در واقع سهل انگاری در تحقق درست این مرحله، علیرغم جدیت در مراحل بعدی، به تعبیر وحید (۱۳۸۶) «ساختن بنایی استوار در زمینی ناپایدار» است.

### ۳.۳. فرایند بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران

فرایند به چگونگی انجام سیاست مربوط می‌شود. فرایند از دیدگاه ساباتیر (۱۹۹۳) و والت (۱۹۹۴)، دارای مراحل مختلفی است که عبارتند از: مرحله شناسایی و تشخیص مسئله، تدوین و انتخاب گزینه سیاستی، برنامه ریزی، اجرا، پایش، ارزیابی، و بازخورد. این مراحل به طور مشخص به مدل حداد و دمسکی اشاره دارند که در مبانی نظری مقاله توضیح داده شد. البته در مدل حداد و دمسکی (۱۹۹۵) علاوه بر توجه

به چگونگی و مراحل انجام سیاست به گام های قبل از اجرا نیز توجه دارد. تحلیل وضعیت و توجه به زمینه که در بخش قبلی به آن پرداخته است به عنوان گام اول در مدل حداد و دمسکی (۱۳۸۸) مبنای شکل گیری و انتخاب گزینه سیاستی در گام بعدی محسوب می گردد. گام دوم و سوم در مدل حداد و دمسکی (۱۹۹۵) به شکل گیری گزینه های سیاستی و انتخاب یکی از آنها براساس ارزیابی های انجام شده تعلق دارد. در این مرحله، سیاست گذاران و تصمیم گیران با برگزاری جلسه های مشترک با برنامه ریزان و مجریان و از طریق ارزیابی گزینه های سیاستی توسط خبرگان، گزینه سیاستی برتر را از میان گزینه های سیاستی شکل گرفته انتخاب می کنند. در واقع، انتخاب گزینه سیاستی در این مرحله، براساس تحلیل های ارائه شده در مرحله نخست، «میزان عقلانیت و اطلاعات موجود» (حداد و دمسکی، ۱۳۸۸؛ هوی و تارتر، ۲۰۰۸) درباره هر گزینه سیاستی، چالش ها و مشکلات احتمالی ناشی از اجرای سیاست، مزایا و پیامدهای مثبت اجرای هر گزینه سیاستی را معلوم می سازد و به سیاست گذار در انتخاب گزینه ای که از یک سو منطبق با اسناد بالادستی، و از سوی دیگر، هماهنگ با وضعیت و شرایط موجود در هر دو سطح خرد و کلان کمک می نماید. چالش ها و فرصت های مطرح شده در گام نخست، سیاست گذاران و تصمیم گیران را از رؤیای پردازی و آمال و آرزوهای غیر عملی و غیر منطبق با زمینه، برحذر می دارد. در این مرحله سیاست گذار بیش از هر نکته دیگری باید به عملی بودن و قابلیت اجرای سیاست بیندیشد ضمن آنکه باید تعیین گزینه های جایگزین اقدام نماید. مثال عملی در این باره، همانگونه که برخی از مشارکت کنندگان اشاره داشته اند توجه به شرایط سیاسی کشور در دوره پس از برجام است؛ به گونه ای که ورود دانشگاه های مختلف دنیا به ایران، در پی سیاست گسترش فعالیت ها و همکاری های مشترک بین المللی ایران متأثر از فضای پس از برجام، منجر به امضای تفاهم نامه ها و قراردادهای همکاری بسیار و در نتیجه ایجاد تعهدات مشترکی شده است. در چنین فضایی که دو طرف به دنبال استفاده از فرصت های حاصل از این توافق سیاسی در ایران هستند، در جای دیگری از دنیا رئیس جمهوری انتخاب می شود (ضرورت تحلیل در سطح بین الملل) که بر سیاست های آموزشی ما در این نقطه از جهان تأثیر می گذارد؛ محاسبات ما را به هم می زند و فرایند اجرای سیاست را دچار اختلال می کند. این نکته از آن رو اهمیت دارد که در صورت پیش بینی به موقع اتفاق های احتمالی سیاسی و در نظر گرفتن گزینه های سیاستی جایگزین، امکان مانور برای سیاست گذاران و برنامه ریزان فراهم می شود.

گام بعدی در مدل حداد و دمسکی (۱۹۹۵) به برنامه ریزی و اجرا تعلق دارد. در این مرحله به استناد تحلیل های ارائه شده و گزینه سیاستی اتخاذ شده توسط سیاست گذاران، تدوین برنامه مقدر خواهد شد. برنامه ریزی برای اجرای گزینه سیاستی، اصلی ترین مرحله سیاست گذاری تلقی می شود. از آنجاکه هر گزینه سیاستی به اجرا منتهی نمی شود، این گام بسیار با اهمیت است. «اجرا، مهم ترین گام در سیاست گذاری و عامل تأثیرگذار بر تمام جنبه های سیاست، در سطح محلی، ملی، و بین المللی است (ملک محمدی ۳۰، ۲۰۱۴). این مرحله به موجب ویژگی نظام آموزش عالی، اهمیت خاصی دارد، زیرا مجری، یک سازمان واحد و منحصربفرد نیست، بلکه مجریانی مرکب از دانشگاه های متعدد و همچنین، مؤسسه ها و مراکز پژوهشی هستند که علاوه بر تفاوت در رسالت ها و مأموریت ها، در نقاط مختلف کشور مستقر هستند. در این گام همانگونه که در بخش بازیگران به آنها اشاره خواهد شد، اجرای سیاست بین المللی سازی بدلیل مشکلات ناشی از مولفه بازیگران با چالش های جدی در بخش اجرا روبرو است که بنا بر ترجیح نویسنده در بخش بازیگران به آن اشاره خواهد شد. گام مهم و اساسی دیگر در فرایند سیاست گذاری «ارزیابی» است. در مدل حداد و دمسکی (۱۹۹۵) اگرچه تأکید اصلی بر ارزیابی در گام پس از اجرا و در ارزیابی تأثیرات سیاست صورت گرفته است اما همانگونه که در انتخاب گزینه سیاستی ذکر شد، ارزیابی نه تنها امکان انتخاب گزینه مناسب، بلکه امکان انتخاب گزینه های جایگزین در شرایط خاص را نیز فراهم می سازد. همچنین ارزیابی در مرحله اجرا، با به صدا درآوردن به موقع زنگ خطر، امکان شکست سیاست را از طریق عوض کردن عوامل و یا نحوه اجرا کاهش می دهد؛ ارزیابی در مرحله پس از اجرا نیز می تواند مقدمات آغاز چرخه بعدی سیاست گذاری را برای تصمیم گیری در ادامه، توقف، یا اجرای سیاست جدید فراهم کند. از این رو نمی توان ارزیابی را صرفاً در یک مرحله از فرایند سیاست گذاری تعریف نمود. زیرا بنظر می رسد همانگونه که بابایی و توکلی (۱۳۹۴) در نتایج پژوهش خود اشاره کرده اند، ارزیابی به طور مشخص در سه سطح اصلی انجام می شود:

۱. ارزیابی در ابتدای چرخه سیاست گذاری (ارزیابی گزینه های سیاستی)؛

۲. ارزیابی در طول فرایند اجرا؛

۳. ارزیابی در پایان چرخه سیاست گذاری.

در سیاست بین المللی سازی، توجه به این نکته بدلیل شرایط خاص کشورهایی مانند ایران خصوصاً در موقعیت فعالی از اهمیتی دو چندان برخوردار است. پایش، رصد و ارزیابی مستمر در فرایند بین المللی سازی.

گام نهایی در مدل حداد و دمسکی (۱۳۸۸) چرخه سیاست گذاری بعدی است. در یک وضعیت مطلوب، هنگامی که اجرای سیاست تکمیل و نتایج آن تعیین شد، مرحله ارزیابی نتایج سیاست امکان دستیابی به یک چرخه سیاست گذاری جدید را فراهم می سازد. اگر گزینه سیاستی



بین‌المللی شدن از ابتدا به‌گونه‌ای نظام‌مند تدوین، طراحی، و اجرا شود، مجریان، پس از پایان برنامه، قادر خواهند بود به‌راحتی پیشنهادهای خود را درباره چرخه سیاست‌گذاری بعدی ارائه کنند. در این مرحله، پرسش زیر باید به‌روشنی قابل پاسخ‌گویی باشد:

«چرخه بین‌المللی سازی بعدی، چگونه و با چه میزان اختلاف از سیاست فعلی قابل طرح، برنامه‌ریزی، و اجراست؟»

طراحی این گام در مدل‌های سیاست‌گذاری، متأثر از ذات سیاست‌گذاری است، زیرا «سیاست‌گذاری، فعالیتی مقطعی نیست که از یک نقطه، آغاز و در نقطه دیگری به پایان برسد، بلکه به دلیل تغییر منابع تدوین سیاست و حتی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده یک مشکل، بازنگری در سیاست‌ها و تغییر و اصلاح آن‌ها، مبنای تکامل سیاست‌هاست» (الوانی، ۱۳۸۶). از این رو توجه سیاست‌گذاران ایرانی به این گام تقویت‌کننده دیدگاه استمرار و عدم وقفه در چرخه بین‌المللی سازی و پرهیز از تقلیل آن به فعالیت‌های پراکنده و مقطعی است.

### ۴.۳. بازگیران بین‌المللی سازی آموزش عالی در ایران

بازگیران همانگونه که در مدل والت و گیلسون به آن اشاره شده است، اگرچه ضلعی از اضلاعی مدل مثلثی را تشکیل نمی‌دهد اما در واقع در قلب مثلث و به عنوان عنصر اصلی و تاثیرگذار بر هر سه ضلع اصلی محتوا، زمینه و فرایند عمل می‌نماید. بازگیران در سراسر فرایند سیاست‌گذاری بطور آشکار و پنهان حضور دارند و برآن تاثیر می‌گذارند. عوامل ۳۱، بازگیران ۳۲ و ذی‌نفعان ۳۳ واژگانی هستند که در فرایند سیاست‌گذاری از آنها استفاده و شامل متخصصان ۳۴، سازمان‌ها ۳۵ و افراد ۳۶ هستند. «گروه بازگیران، از اصلی‌ترین و درگیرترین عوامل در تغییرات سیاستی هستند. در اغلب موارد، بازگیران به دولت‌ها اطلاق می‌شود» (مکینتاوش ۱۹۹۲). عوامل می‌توانند متشکل از افراد، گروهی از افراد، شرکت‌های خصوصی، یا سازمان‌های دولتی باشند (ساباتیر و وایبل ۲۰۱۴). بازگیران براساس دیدگاه ساباتیر (۱۹۹۲) به ذی‌نفعان اطلاق می‌شود. هرمانز ۳۹ و همکاران (۲۰۱۲) در اهمیت نقش بازگیران در تحلیل سیاست در دنیای در حال تغییر امروز به اصلاح سیستم‌ها و فرایندهای چند بازگیره ۴۰ اشاره می‌کنند. برخی مانند عباسی (۱۹۹۹) بازگیران را اعم از آنهایی می‌داند که در سیاست تاثیرگذار هستند. ماژرزاک (۱۳۷۹) عوامل موثر در اجرای سیاست را شامل تصمیم‌گیرندگان، مجریان و بازگیران (اعم از ذی‌نفعان و تاثیرگذاران در سیاست) و اجرای موفق سیاست را در گروه همخوانی ذی‌نفعان و مجریان با سیاست قلمداد می‌کند. از نظر ماژرزاک بر فرض درست بودن سیاست، سودمندی آن برای ذی‌نفعان و در نتیجه تایید سیاست توسط آنان و همچنین قبول سیاست توسط مجریان از اهمیت بالایی برخوردار است. والت و گیلسون (۱۹۹۴) بازگیران را سیاست‌گذاران و خبرگان سیاستی ۴۱ و همچنین افراد تاثیرگذار در تدوین و اجرای سیاست تعریف می‌نمایند. در این مطالعه بازگیران اعم از آشکار و پنهان شامل افراد و نهادها و مراکز تاثیرگذار در حوزه سیاست بین‌المللی سازی آموزش عالی است.

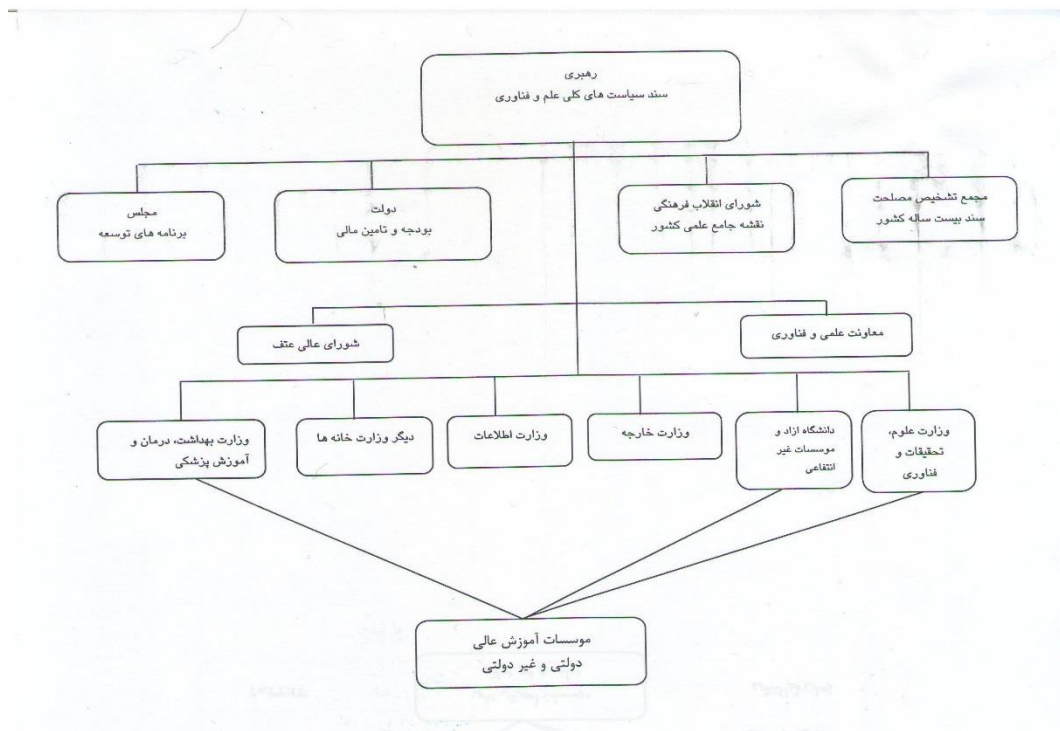
### ۱.۴.۳. بازگیران در بین‌المللی سازی آموزش عالی ایران

بازگیران بین‌المللی سازی آموزش عالی دارای طیف وسیعی از افراد و نهادها در سطوح مختلف ملی، نظام آموزش عالی و نهاد دانشگاه هستند. این مؤلفه زمانی که بخواهیم درباره سیاست‌گذاری و اجرا در آموزش عالی سخن بگویم یکی از چالش‌برانگیزترین مؤلفه‌ها در چرخه بین‌المللی سازی به‌شمار می‌رود. ، زیرا نمی‌توانیم جایگاه برخی از نهادها از منظر میزان قدرت در تصمیم‌گیری را در مقایسه با نهادهای دیگر تعیین کنیم. عباسی و احمدی (۱۳۹۶)، مجمع تشخیص مصلحت، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی، معاونت علم و فناوری ریاست‌جمهوری و خود وزارت علوم را نهادهای خط‌مشی‌گذار (سیاست‌گذار) در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری معرفی کرده‌اند. البته اگرچه تأکید مقاله یادشده، بر نهاد سیاست‌گذار در حوزه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، اما نویسندگان مقاله، خود این وزارتخانه را نیز به‌عنوان نهاد سیاست‌گذار معرفی کرده‌اند. علاوه بر موارد فوق تعداد دیگری از نهادهای سیاست‌گذار اقماری نیز وجود دارند که جایگاهشان در سلسله‌مراتب نظام آموزش عالی ایران نامشخص است. عبارت زیر تاکید دیگری بر این نکته است:

«معاونت علمی و فناوری دولت، کمیسیون آموزش عالی مجلس، شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف)، ستاد راهبری نقشه جامع علمی، فرهنگستان‌های علوم و علوم پزشکی و معاونت‌های تحقیقات و فناوری وزارتخانه‌ها و دانشگاه‌ها تنها نمونه‌ای از خیل تصمیم‌گیران حوزه علم، پژوهش و فناوری کشور به‌شمار می‌روند» (۴۲)

طباطبایی (۱۳۹۲) در مقاله راهکارهای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی، در کنار نقش تاثیرگذار شورای انقلاب فرهنگی، به نقش کمیسیون آموزش عالی مجلس و مرکز تشخیص مصلحت نظام به عنوان نهادی تاثیرگذار در کارکرد آموزش عالی اشاره می‌کند این چالش زمانی که اجرای سیاست بین‌المللی سازی نیز در دستور کار قرار گیرد اندکی پیچیده‌تر می‌شود زیرا بازگیران جدیدی به صحنه اضافه می‌شوند. شکل شماره یک به درک بهتر این مساله کمک می‌نماید.





شکل (۲) : بازیگران در بین المللی سازی آموزش عالی

همانگونه که در شکل مشاهده می شود، اسناد بالادستی اصلی در بین المللی سازی براساس اسناد تدوین شده توسط سیاستگذاران تاثیر گذار در جدول مشخص شده است. در ردیف دوم نمودار با دو نهاد اصلی در حوزه آموزش عالی روبرو هستیم. نهاد «شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری» به عنوان سیاستگذار و برنامه ریز در علم و فناوری و «معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری» به عنوان یکی از سیاستگذاران اصلی در تحقق دیپلماسی فناوری و اقتصاد دانش بنیان قرار دارند.

شورای عالی تحقیقات و فناوری (عتف) ۴۳ علاوه بر ایجاد هماهنگی و یکپارچگی در سیاست گذاری کلان اجرایی، بندی و انتخاب طرح های اجرایی بلندمدت سرمایه گذاری کلان در بخش های آموزشی و پژوهشی و فناوری و بررسی و پیشنهاد منابع مالی مورد نیاز در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری را برعهده دارد. دبیرخانه این شورا در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مستقر است و مصوبه های آن پس از ابلاغ رییس جمهور برای تمام دستگاه های اجرایی کشور لازم الاجراست. معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری که علاوه بر برنامه ریزی، هماهنگی بین بخشی و هم افزایی در «نظام ملی نوآوری» در جهت تحقق اقتصاد دانش بنیان، مسئولیت ارتقای ارتباطات بین المللی علمی، فناوری و نوآوری و توسعه دیپلماسی علمی و فناوری را برعهده دارد.

در ردیف سوم با دو وزارت خانه اصلی در حوزه بین المللی سازی مواجه هستیم. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که موسسات آموزش عالی دولتی زیر نظر آنها اداره می شوند و همچنین دانشگاه آزاد و موسسات غیر انتفاعی که موسسات آموزش عالی غیر دولتی را تشکیل می دهند.

علاوه بر موارد فوق، فرایند بین المللی سازی آموزش عالی، به دلیل ورود تصمیم گیران قدرتمند دیگر، ابعاد جدیدی به خود می گیرد، یعنی یک لایه دیگر به لایه عوامل تاثیرگذار اضافه می شود؛ برای نمونه علاوه بر وزارت امور خارجه به عنوان ضلع سوم در تعاملات سه گانه با وزارت علوم و وزارت بهداشت، می توان به دستگاه های دیگر مانند وزارت اطلاعات، وزارت کشور، و دیگر وزارتخانه های مرتبط اشاره کرد.

ردیف بعدی که بدلیل طولانی شدن نمودار از آن صرف نظر شد، بازیگران در داخل نهادهای آموزش عالی هستند. استادان، مدیران، دانشجویان و کارکنان. بازیگرانی که در چرخه سیاست گذاری نایت (۱۹۹۴) از عوامل اصلی در چرخه بین المللی سازی آموزش عالی محسوب می شوند و هودزیک (۲۰۱۲) دامنه آن را شامل هیات رییسه، روسای دانشگاه و معاونان و مدیران ارشد، مدیران دانشکده ها و مدیران گروه ها، دفاتر و واحدهای بین الملل، اعضای هیات علمی، پشتیبانی و سرویس دهی در دانشگاه تعریف می نماید.





علاوه بر موارد فوق، در تحلیل سیاست بین‌المللی سازی، بازیگران دیگری براساس دیدگاه‌های مختلف در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی قابل مطالعه هستند. در این بخش صرفاً به تحلیل بازیگران در سطح ملی و با تأکید بر بازیگران در سطح آموزش عالی براساس داده‌های حاصل از پژوهش اقدام شده است.

## ۲-۴-۴. چالش‌های بین‌المللی سازی آموزش عالی در مولفه بازیگران

### تعدد و تداخل نهادهای سیاستگذار و مجری

«وجود نهادهای مختلف در حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در حوزه علم، تحقیقات و فناوری، که شورای عالی انقلاب فرهنگی در رأس آن قرار دارد، در کنار انواع و اقسام مراکز اجرایی در این حوزه همراه با عملکرد غیرشفاف و بدون مسوولیت پاسخگویی، یکی از مسائل بزرگ این حوزه است. در حوزه اجرا نیز علاوه بر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که قاعدتاً باید نقش اساسی و راهبردی در این سه حوزه داشته باشد، بسیاری از نهادها و سازمان‌های حاکمیتی و دولتی همچون معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و بسیاری از مراکز علمی، تحقیقاتی و مطالعاتی ایجاد شده از سوی نهادها و سازمان‌های مختلف نقش آفرینی می‌کنند و البته اغلب مسؤلیتی در پاسخگویی ندارند». این دیدگاه به نقل از مدیران دانشگاه تهران ۴۴ بطور واضح به مشکل تعدد متولیان آموزش عالی در سطح عالی اشاره دارد.

تعدد متولیان آموزش عالی از یک سو و تداخل وظایف و نقش از سوی دیگر در حال حاضر دامنه سیاست بین‌المللی سازی را نیز در بر گرفته است. سیاستگذار گاه در نقش مجری، گاه در نقش تسهیلگر و گاه در نقش ارزیاب ظاهر می‌شود. به عنوان مثال وزارت علوم در مواردی چنین نقش چندگانه‌ای را بازی می‌نماید. از یک سو مجری سیاست‌های بالادستی و از سوی خود در نقش سیاستگذار و تصمیم‌گیر برای دانشگاه‌ها عمل می‌نماید. از طرف به امضای تفاهم‌نامه و قرارداد اقدام می‌نماید و از طرف دیگر تسهیلات لازم را برای افزایش تعاملات بین‌المللی برای دانشگاهیان فراهم می‌نماید. در برخی موارد نیز با ارائه آمار و ارقام از فعالیت‌های انجام شده، میزان موفقیت در اجرای بین‌المللی سازی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. البته در سال جاری (۱۳۹۶) بنظر می‌رسد این روند در حال تغییر است و وزارت علوم ۴۵(۱۳۹۶) به صراحت اعلام کرده است که «وزارت علوم در حال واگذاری تدریجی امور اجرایی در حوزه بین‌الملل به دانشگاه است و در این زمینه، نقش سیاست‌گذاری و نظارت را به‌عهده خواهد داشت».

علاوه بر تداخل و تعدد نقش در سطوح عالی، آموزش عالی ایران در سطح خرد نیز با مشکل مشابهی مواجه است. بطور نمونه می‌توان به دو مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت علوم و مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی اشاره کرد. این دو مرکز علاوه بر شباهت در عنوان در اهداف و وظایف تعریف شده نیز با هم تداخل دارند. در حالیکه کارکرد هر دو مرکز یکی در مقام سیاستگذار و دیگری در مقام تسهیلگر براهتی قابل تفکیک است. همین اختلال در باره دیگر نهادهای تسهیلگر دیگر مانند یونسکو در ایفای نقش مبهم و سرگردان در فرایند بین‌المللی سازی قابل مشاهده است. در باره موسسات و نهادهای متولی آموزش زبان فارسی نیز با وضعیتی مشابه روبرو هستیم. نهادهایی با اهداف و وظایف یکسان که بدلیل موازی‌کاری منجر به ایجاد مانع و اختلال جدی در فعالیت دیگر نهادهای متولی و منجر به ایجاد چالش‌های اساسی در فرایند اجرا می‌شوند.

مشکل عمده دیگر که از چالش فوق ناشی می‌شود، عدم پاسخگویی نهادهای موازی است. در واقع این ابهام در نقش و وظایف منجر به ابهام در ایفای درست نقش و هم‌ابهام در میزان انحصار و اقتدار و همچنین ابهام در پاسخگویی می‌شود. چالشی که در حال حاضر آموزش عالی در سطح ملی نیز با آن مواجه است.

یکی از مدیران در «لزوم تعیین یک متولی واحد و پاسخگو در حوزه علم، فناوری و تحقیقات در کشور به این نکته اشاره می‌کند که در صورت تمرکز اختیارات و مسؤلیت‌ها در یک مرکز و شفاف سازی حدود تفکیک مسؤلیت‌ها برای سازمان‌ها و نهادهای مختلف، فضای علم و فناوری در کشور مسؤلیت و حوزه پاسخگویی خود را خواهد شناخت» ۴۶.

بی‌توجهی به مشکل فوق در آموزش عالی ایران، از سوی دیگر منجر به بروز چالش جدیدی در اجرای بین‌المللی سازی می‌شود. «تصمیم‌گیری و اجرای مستقل نهادهای آموزشی غیردولتی در خارج از چرخه تعریف شده بین‌المللی سازی» از خطراتی است که خصوصاً در جذب بی‌رویه دانشجویان خارجی قابل پیش‌بینی است. این امر اگرچه ممکن است در سیستم آموزش عالی ملی عادی تلقی شود، اما بی‌شک ما را در اجرای سیاست بین‌المللی سازی آموزش عالی با مشکل روبرو خواهد کرد. به عنوان مثال اگر قرار باشد برخی از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های غیردولتی، همان‌گونه که در افزایش پذیرش دانشجوی تحصیلات تکمیلی در سطح ملی آزادانه عمل کرده‌اند، در

پذیرش دانشجوی خارجی، تأسیس دفاتر و مراکز دانشگاهی در کشورهای خارجی، ایجاد تعهدات بین المللی و ... نیز بدون توجه به سیاست‌های کلان و اهداف پیش‌بینی شده اقدام کنند، مجدداً نظام آموزش عالی را با چالشی جدید، اما این بار در سطح بین‌المللی، روبه‌رو خواهند کرد.

### عدم ارتباط دوسویه میان بازیگران

یکی دیگر از چالش‌های اساسی در اجرای سیاست بین‌المللی‌سازی که در حال حاضر در چرخه سیاست‌گذاری بین‌المللی‌سازی مشهود است، عدم ارتباط دوسویه میان سیاست‌گذاران و مجریان است. برقراری ارتباط دوسویه میان سیاست‌گذار و مجری در سطوح مختلف، امکان اصلاح در تصمیم‌گیری و تعدیل در اجرا را به‌طور هم‌زمان فراهم می‌نماید؛ به عنوان مثال ارتباط دو سویه میان شورای انقلاب فرهنگی به عنوان سیاست‌گذار با وزارت علوم به عنوان مجری. و همچنین ارتباط دو سو میان وزارت علوم و وزارت بهداشت به عنوان سیاست‌گذار با دانشگاه‌ها به عنوان مجریان اصلی سیاست بین‌المللی‌سازی. این امر چالشی است که بسیاری از مدیران دانشگاهی به آن اشاره داشته‌اند و وزارت علوم در مقام سیاست‌گذار به آن اذعان دارد. برگزاری جلسه‌های مستمر با حضور مجریان، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران؛ ارائه گزارش از فعالیت‌های انجام‌شده و آگاهی از فعالیت‌های درحال‌انجام و هم‌فکری به‌منظور رفع چالش‌های موجود هم در سطح سیاست‌گذاری و هم سطح اجرا و ارائه گزارش‌های شفاف و مستمر از سیاست‌ها و فعالیت‌ها و اقدامات در حال انجام؛ از مواردی است که انتظار می‌رود بطور جدی توسط سیاست‌گذاران و مجریان پیگیری و اجرا شود. این عدم ارتباط دو سویه در سطح دانشگاه‌ها نیز در ارتباط میان مدیران دانشگاهی با مدیران میانی، استادان و کارکنان که در واقع بازیگران اصلی در دانشگاه محسوب می‌شوند به شکل «ضعف در آگاهی و عدم تعهد عوامل دانشگاهی در اجرا» خود را نشان می‌دهد.

آگاهی و تعهد در اجرای برنامه نکته‌ای که در چرخه بین‌المللی‌سازی نایت (۱۹۹۴) به عنوان مولفه اول و مولفه دوم و در چرخه بین‌المللی‌سازی دوویت (۲۰۰۲) بلافاصله بعد از تحلیل زمینه به آن اشاره شده است. هودزیک (۲۰۱۲): عوامل موثر در بین‌المللی‌سازی دانشگاه را شامل افراد و گروه‌های زیر می‌داند: هیات ریسه، روستای دانشگاه و معاونان و مدیران ارشد، مدیران دانشکده‌ها و مدیران گروه‌ها، دفاتر و واحدهای بین‌الملل، اعضای هیات علمی، پشتیبانی و سرویس دهی در دانشگاه.

اجرای یک سیاست توسط مدیران دفاتر و واحدهای بین‌الملل و رؤسای دانشگاهی، اگرچه ممکن است با آگاهی کامل و علاقه به موضوع انجام شود اما تضمین‌کننده همکاری سه گروه دیگر یعنی استادان، مدیران میانی و کارکنان در اجرا نخواهد بود؛ افرادی که به تعبیر نایت (۱۹۹۴) جلب همکاری آنان، نیازمند آگاهی درباره اهمیت و منافع بین‌المللی‌شدن دانشگاه و ایجاد تعهد برای اجرای موفق بین‌المللی‌سازی است.

در حال حاضر یکی از مشکلات دانشجویان خارجی افزون‌بر مشکلات تدریس در کلاس درس- شکایت آنان از رفتار کارکنان دانشگاه در ارائه خدمات مورد انتظار آنان است. مواردی که در مورد اداراتی مانند سازمان دانشجویی، در برخورد با دانشجویان خارجی نیز گزارش شده است. در مورد استادان و مدیران دانشگاهی نیز همین‌گونه است. مدیران علمی و اجرایی و همچنین استادان باید در گام نخست از سیاست بین‌المللی‌سازی آگاه باشند، آن را بپذیرند و متعهد به اجرای آن در مسیر تعیین‌شده باشند. این امر نیازمند تعامل دو طرفه و مستمر میان بازیگران در دو سطح متفاوت در دانشگاه است.

### عدم شکل‌گیری شبکه سیاست- دانش (نقش محققان و خبرگان در بین‌المللی‌سازی)

ارتباط میان دانش و سیاست‌گذاری و به مفهوم علمی، کاربست یافته‌های پژوهشی در سیاست که تلویحاً به آن سیاست‌پژوهی ۴۷ اطلاق می‌شود، پدیده‌ای است که در کشور ما کمتر به آن توجه شده است. قلی‌پورو همکاران (۱۳۹۱)، سیاست‌پژوهی را پلی میان سیاست‌گذاران و اندیشمندان علوم مختلف برای بهینه‌کردن آثار سیاست‌های اتخاذشده، به‌منظور تسریع در روند توسعه جامعه عنوان می‌کند؛ روشی که با ژرف‌نگری می‌تواند توصیه‌های علمی مناسبی به سیاست‌گذاران ارائه دهد. تاکید مازمانیان و ساباتیر (۱۹۷۹) بر «عامل عقلانیت و اتکا به پشتوانه‌های علمی و پژوهشی در سیاست‌گذاری» است. «عقلانیت در سیاست‌گذاری به معنای پشتوانه‌های علمی و نظری و ارائه توصیه‌های علمی به سیاست‌گذاران برای حل یک مسئله است» (جاودانی، ۱۳۹۲: ۴۲)؛ تعبیری که در برخی مطالعات با عبارت «شبکه دانش و سیاست ۴۸» به‌کار می‌رود. محققان در صورت شکل‌گیری نهادهای سیاست پژوه و یا دفاتر دانشگاه پژوهی و یا هر عنوان دیگری که متضمن استفاده از نتایج مطالعات و پژوهش‌ها، تجربیات و ایده‌های کارشناسانه آنها باشد، تبدیل به بازیگرانی آشکار خواهند شد. شکل‌گیری ارتباط مستمر میان سیاست‌گذاران و مجریان و محققان و اندیشمندان در فرایند بین‌المللی‌سازی، منجر به تقویت شبکه دانش-سیاست و به مفهوم تقویت وجه عقلانی سیاست‌گذاری است. در غیر صورت تا زمانی که ایده‌ها، تجربیات، انتقادات و مطالعات انجام شده



محققان مورد اقبال سیاستگذاران و تصمیم‌گیران اصلی بین‌المللی سازی قرار نگیرد، تبدیل به عوامل پنهانی می‌شوند که نادیده گرفتن آنها منجر به ناکامی در تحقق برنامه خواهد شد.

توجه جدی به ارائه تعریفی شفاف از نهاد سیاست‌گذار، نهاد سیاست‌پژوه، و نهاد تسهیل‌گر و تفکیک آن‌ها از یکدیگر؛ همان‌گونه که نقش نهاد سیاست‌گذار، در اجرای موفق یک سیاست اهمیت دارد، از نقش تأثیرگذار نهاد سیاست‌پژوه نیز نباید غافل شد. باید به نقش محققان و صاحب‌نظران در جایگاه سیاست‌پژوه به‌عنوان عاملان اصلی «تزریق عقلانیت حرفه‌ای به چرخه خط‌مشی‌گذاری» (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱) و «ارتباط مؤثر میان سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران که موجب توجه به عقلانیت می‌شود» (آندروس، ۲۰۰۳، در: بابایی و توکلی، ۱۳۹۶) بیشتر توجه کرد.

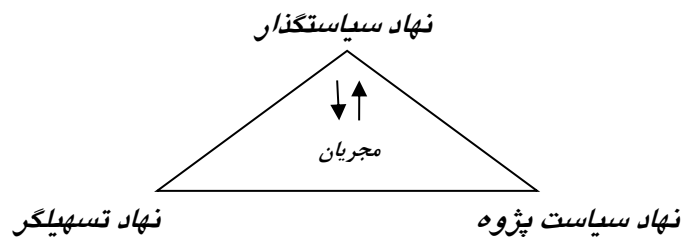
لازم است مؤسسه‌ها و مراکز مطالعاتی وابسته به وزارت علوم که این مأموریت در راستای کار آن قابل‌تعریف است، با درنظر گرفتن بودجه مناسب، به‌عنوان «نهاد سیاست‌پژوه»، مسئولیت انجام کار را به‌عهده بگیرند. به‌عنوان مثال مرکز سیاست‌گذاری علمی کشور، به‌دلیل رسالت و مأموریت سازمانی، گزینه مناسبی برای انجام این کار است. انتخاب این مرکز یا مؤسسه پژوهشی مشابه دیگر مانند پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی که تاکنون گام‌های موثری در حوزه بین‌المللی سازی آموزش عالی برداشته است، به این سبب دارای اهمیت است که هم در چرخه بین‌المللی سازی و هم در آغاز چرخه بعدی تأثیرگذار و رهنما هستند. قلی‌پور و همکاران (۱۳۸۹) به نقش نهادهای مختلف مانند دولت، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های پژوهشی در سیاست‌پژوهشی اشاره می‌کنند.

دفاتر دانشگاه پژوهشی نیز می‌توانند چنین نقشی را برای دانشگاه‌ها ایفا نمایند. امیری فرح‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵) یکی از راهکارها برای بهبود سیاست‌پژوهشی را حرکت در راستای دانشگاه پژوهشی عنوان می‌نمایند. البته تا آنجا که نگارنده مطلع است، در حال حاضر دانشگاه‌ها فاقد دفاتر دانشگاه پژوهشی هستند زیرا به تعبیر برخی از مدیران با توجه به وظایف معاونت پژوهشی در دانشگاه‌ها، وجود چنین دفتری ضروری نمی‌باشد. در چنین شرایطی معاونت‌های پژوهشی می‌توانند چنین نقشی را در اجرای بین‌المللی سازی ایفا نمایند. البته تحقق این امر منوط به ایجاد آگاهی و تعهد به همکاری از طریق مدیران دفاتر و واحدهای بین‌المللی است.

### عدم شکل‌گیری نهادهای تسهیل‌گر در بین‌المللی سازی

نهاد تسهیل‌گر به‌عنوان بازوی مجریان در فرایند اجرا، ضمن به‌پژوهشگران و استادان و دانشجویان ایرانی در فرایند همکاری‌های مشترک با دانشگاه‌های خارجی، به تضمین کیفیت و همچنین سرعت و سهولت در اجرای موفق برنامه کمک خواهد کرد؛ یکی از موارد نقش‌مند نهادهای تسهیل‌گر کمک به پژوهشگران ایرانی در برقراری ارتباطات بین‌المللی است. مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی ۴۹ با توجه به اهداف و مأموریت‌های تعریف شده می‌تواند چنین نقشی را در نظام آموزش عالی ایران بر عهده بگیرد. در این صورت بسیاری از موانع اداری و اجرایی محققان در فرایند بین‌المللی سازی کاهش و یا از بین خواهد رفت. به‌عنوان نمونه، یکی از این موارد می‌تواند کاهش مشکل عدم تسلط به زبان خارجی برای استادان و محققان ایرانی باشد. چالش ناتوانی در استفاده از زبان خارجی، به‌ویژه زبان انگلیسی، اگرچه در بسیاری از کشورها به‌عنوان یک چالش اساسی در مسیر بین‌المللی‌سازی مطرح می‌شود، اما نباید به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برقراری ارتباطات و تعاملات بین‌المللی عمل کند. براساس نتایج این پژوهش، پژوهشگران ایرانی که نتایج پژوهش آنان دارای قابلیت طرح در کنفرانس‌های بین‌المللی است، اندک نیستند؛ صاحب‌نظرانی که آرای آنان به‌عنوان اندیشه‌هایی نو، از قابلیت ارائه در کنفرانس‌های جهانی، بحث و تبادل‌نظر در آکادمی‌ها، و چاپ و انتشار در مجله‌های علمی معتبر و کتاب‌های دانشگاهی توسط ناشران بین‌المللی برخوردارند، اما به‌دلیل عدم تسلط به زبان خارجی، از حضور در مجامع بین‌المللی محروم هستند. در رویکرد جدید به بین‌المللی‌سازی، این مسئله می‌تواند از طریق نهادهای تسهیل‌گر، با اختصاص هزینه برای استخدام مترجم ویژه و دراختیار، رفع شود. این کار می‌تواند جایگزین هزینه‌های اعزام استادان بدون علم، اما مسلط به زبان انگلیسی، شود که بسیاری از آن‌ها با وجود حضور در کشور مقصد، حاضر به شرکت در رویداد علمی نیستند. توجه به این نکته، چالش سوءاستفاده مکرر افراد برای شرکت در رویدادهای علمی با استفاده از هزینه‌های دانشگاهی، اما بدون ثمر علمی را کاهش خواهد داد. نهادهای تسهیل‌گر، عاملان مناسب و شایسته‌ای برای انجام این وظیفه خواهند بود. مرکز مطالعات علمی و بین‌المللی، به‌عنوان نمونه یک نهاد تسهیل‌گر مناسب می‌تواند از جایگاه اول در بین‌المللی سازی برخوردار باشد. کمیسیون ملی یونسکو نیز با اندکی تفاوت در میزان ارائه خدمات می‌تواند یکی از نهادهای تسهیل‌گر و قابل اتکا محسوب شود. بازیگران پنهان قابلیت اجرای نقش مؤثر به‌عنوان تسهیل‌گران را دارا هستند.

توجه به نهادهای تسهیگر و برقراری ارتباط مستمر آنها با نهاد سیاستگذار و مجریان بشرح زیر از الزامات اصلی در اجرایی شدن سیاست بین المللی سازی در ایران است.



### عدم ایفای نقش بازیگران پنهان

علاوه بر بازیگرانی که در بخش قبلی به آنها اشاره شد، می توان به افراد قدرتمند و صاحب نفوذی اشاره کرد که در در اجرای سیاست بین المللی سازی نمی توان آنها را نادیده گرفت. در تحلیل بازیگران نمی توان به افرادی که دارای قدرت سیاسی هستند، افرادی با قدرت مالی بالا، قدرت شخصی، قدرت حزبی و همچنین گروه های مردمی و سازمان های غیر انتفاعی که با عنوان بازیگران پنهان در بین المللی سازی از آنها نام برده می شود، بی توجه بود. بازیگرانی که در مطالعات انجام شده کمتر به آنها پرداخته شده است. این عوامل بطور خلاصه شامل گروه ها، افراد، و سازمان ها بشرح زیر اشاره می شود:

۱. سازمان های غیردولتی و غیرانتفاعی و سازمان های مردم نهاد؛
۲. انجمن های علمی، انجمن های فرهنگی، و انجمن های دوستی؛
۳. شرکت های خصوصی و بازاریان، تجار و کسبه، و تولیدکنندگان خرد؛
۴. انجمن های خیریه و اوقاف
۵. شهروندان عادی کشور ۵۰
۶. ایرانیان مقیم خارج
۷. تحصیل کردگان خارج

الوانی (۱۳۷۹) در ارائه موانع ۷ گانه اجرا به عدم آگاهی عامه مردم و احساس بی نقشی درسیاستگذاری اشاره می نماید. لیندبلوم (۱۹۶۸) توجه به علایق و منافع مردم عادی در سیاست های عمومی را ضروری می داند. نایت ۱۹۹۴ در چرخه بین المللی سازی به جامعه به عنوان یکی از ذی نفعان که نیازمند ایجاد آگاهی و تعهد برای اجراست، اشاره می کند. ضمانت اجرای موفق سیاست بین المللی سازی براساس تجارب در تمامی کشورها، مستلزم مشارکت تمامی بازیگران به گونه های متفاوت است. بازیگران پنهان در بین المللی سازی، بازیگرانی هستند که علیرغم نقش موثر در تحقق اهداف بین المللی سازی، توجه چندانی به آنها نمی شود. درحالیکه با توجه به چالش های مطرح شده، انتظار می رود در صورت فراهم شدن امکان استفاده از قابلیت های ذی نفعان پنهان، بسیاری از چالش های مطرح شده توسط دانشجویان خارجی در باره محیط خارج از دانشگاه کاهش و یا رفع خواهد شود.

ایرانیان خارج از کشور از دیگر بازیگران غیر رسمی اما موثر در فرایند بین المللی سازی محسوب می شوند. که اخیراً برنامه های جدید تصمیم گیران آموزش عالی از طریق راه اندازی «کمیته جذب نخبگان ۵۱» بر استفاده از پتانسیل این گروه از ایرانیان قراردارد.

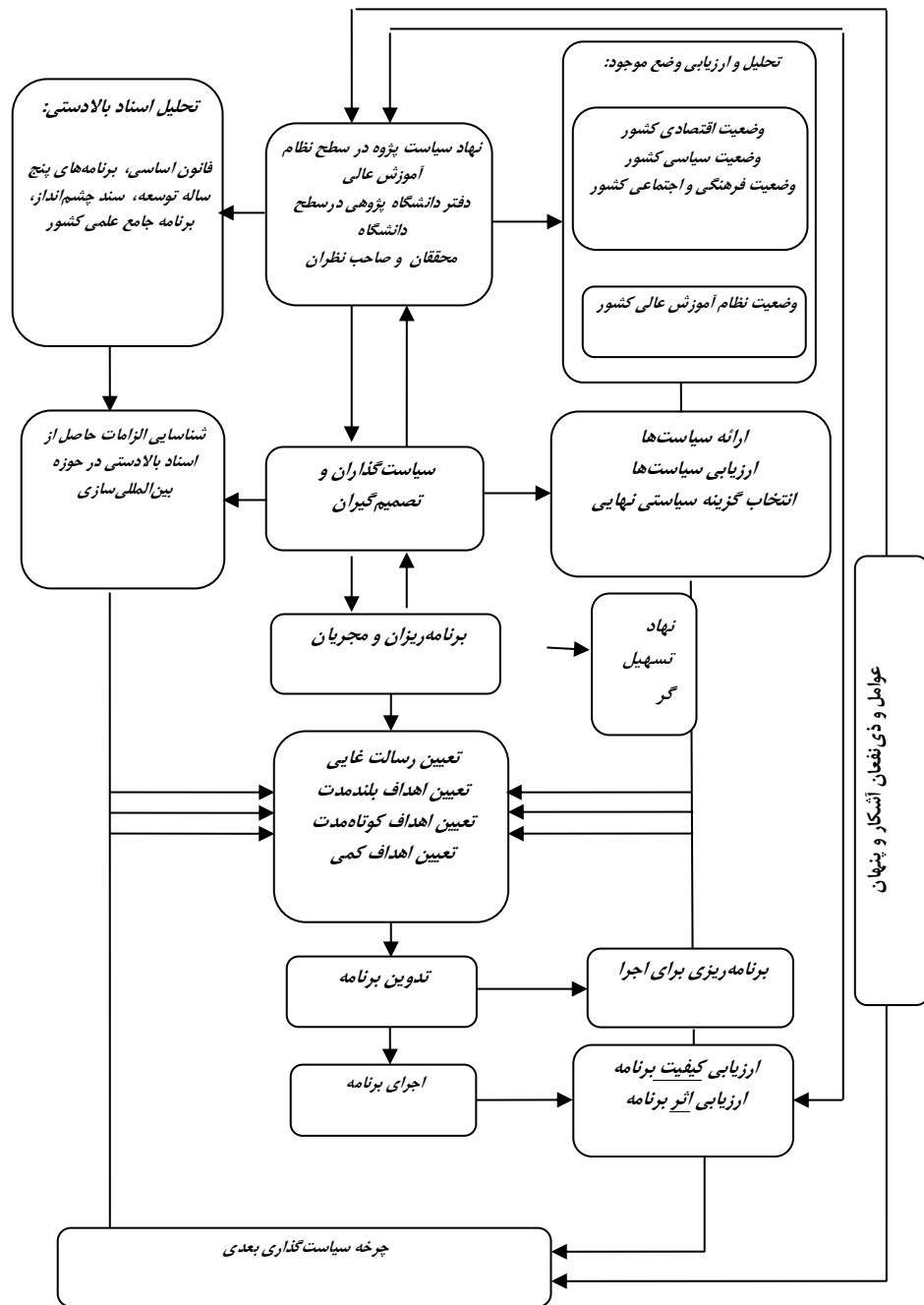
### نتیجه گیری

تحلیل نهایی مقاله در پاسخ به مساله پژوهش درباره تحلیل ۴ مولفه محتوا، زمینه، فرایند با تاکید بر عوامل با رویکرد سیاستگذاری منجر به ظهور مدل بین المللی سازی یا رویکرد سیاستگذاری به منظور استفاده سیاستگذاران و مجریان شده است. مدل، متأثر از فرایند سیاستگذاری، در ساده ترین و گویاترین تعریف از سیاستگذاری، یعنی «تداوم یک عمل به صورت نظام مند» است؛ از این رو، تحلیل نهایی پژوهش به صورت یک چرخه متصل و بهم پیوسته و درعین حال، دارای حرکت رفت و برگشتی مستمر میان عوامل و در نهایت، دارای بازخورد تعریف شده است. این شکل نشان دهنده تأکید نویسنده، بر تحقق بین المللی سازی از طریق رویکرد سیاستگذاری با تاکید بر فراهم نمودن مقدمات و بستر لازم برای بهبود نظام آموزش عالی در سطح ملی و تحقق بین المللی سازی به عنوان فرایندی هدفمند، مستمر و ادامه دار است. براساس شکل حاضر، چرخه بین المللی سازی با رویکرد سیاستگذاری و براساس ویژگی های زیر تعریف شده است:

- مدل، با تأثیرپذیری از ویژگی سیاستگذاری چرخه ادامه دار تعریف شده و به جای پایان یافتن در گام نهایی، به چرخه سیاستگذاری بعدی منتهی می شود؛



- مراحل، دارای تسلسل و امکان ارتباط به صورت عمودی و افقی هستند؛
- ارتباط دوطرفه میان سیاست‌گذار و مجری و در عین حال ارتباط با نهادهای سیاست‌پژوه و دفتر دانشگاه پژوهی برقرار است؛
- جایگاه نهاد تسهیل‌گر، در مدل به عنوان یک ضلع از سه ضلع نهاد سیاست‌گذار، نهاد سیاست‌پژوه، و نهاد تسهیل‌گر، تعیین شده است؛
- در فرایند اجرا، به منظور حمایت و پشتیبانی مستمر از مجریان، به نهاد تسهیل‌گر توجه شده است؛
- توجه به ارزیابی در مراحل و سطوح مختلف اعم از انتخاب گزینه سیاستی، رصد فرایند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، و اجرا و ارزیابی پیامد، یکی دیگر از ویژگی‌های مدل ارائه شده است. این به معنای ضرورت ارزیابی در سه مرحله پیشین، در حین اجرا و پسین است.
- تعامل مستمر بین محققان و سیاست‌گذاران با استفاده از «خبرگان» به تعبیر بابایی و توکلی (۱۳۹۴) و شکل‌گیری شبکه سیاست-دانش به منظور برخورداری از پشتوانه علمی سیاست‌گذاران برای حل مساله، و به عنوان گام اول در مراحل سیاست‌گذاری در این مدل مورد تاکید قرار گرفته است.
- در این چرخه، به منظور کمک به تقویت، اصلاح، یا تغییر سیاست در چرخه بعدی سیاست‌گذاری، به «بازخورد» توجه شده است.



شکل شماره (۴). چرخه سیاست‌گذاری آموزش عالی

اجرای موفقیت‌آمیز «فرایند» بین‌المللی‌سازی آموزش عالی در ایران بر اساس «محتوا»ی تعریف‌شده و بر مبنای دو رکن اصلی «زمینه» و «عوامل»، در گرو رعایت نظم، استمرار، و پیوستگی در قالب یک مدل هدفمند و پرهیز از فعالیت‌های مقطعی، پراکنده، و غیرهدفمند است

### توصیه‌های سیاستی

۱. شفافیت نهاد سیاست‌گذار در اجرای فرایند بین‌المللی‌سازی بر اساس چرخه و مدل‌های سیاست‌گذاری.



۲. ایجاد شبکه سیاست- دانش از طریق فعال نمودن دفاتر دانشگاه پژوهی در سطح سازمانی و تقویت نهادهای سیاست پژوه در سطح بخشی/ ملی و استفاده از محققان و نخبگان سیاستی.
۳. ایجاد و تقویت نهادهای تسهیلگر در فعالیت‌های بین‌المللی و برنامه ریزی به منظور استفاده از بازیگران پنهان به عنوان تسهیلگران موثر در بین‌المللی سازی.
۴. ایجاد ارتباط چند سویه میان نهاد سیاستگذار، نهاد سیاست پژوه و نهاد تسهیلگر با مجریان.

#### فهرست منابع

- آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری (۱۳۹۰). شورای انقلاب فرهنگی. الوانی، حسن (۱۳۷۹). موانع ساختاری اجرای برنامه‌های توسعه در ایران. مجله مدیریت و توسعه، ۷(۴).
- الوانی، مهدی (۱۳۸۶). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- امیری فرح آبادی، جعفر و همکاران (۱۳۹۵). آسیب شناسی فرایند سیاست پژوهی در نظام آموزش عالی ایران. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای، دوره هشتم، شماره ۴، ۱۷۱-۱۳۹.
- اصغری، فیروزه (۱۳۹۵). ارزیابی نظام کنونی آموزش عالی، ضرورت اجرای بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها در ایران. کنگره ملی آموزش عالی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- بابایی، سحر؛ توکلی، غلامرضا (۱۳۹۴). تدوین مدل فرایندی سیاست‌گذاری در سازمان‌های دولتی. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱، شماره ۳، ۲۹-۵۳.
- بابایی، سحر؛ توکلی، غلامرضا (۱۳۹۶). احصای عقلانیت‌های پایه در فرایند سیاست‌گذاری عمومی، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۱، ۱۲-۶۳.
- جاودانی، حمید (۱۳۹۴). طراحی الگوی سیاست پژوهی در نظام آموزش عالی ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی، دوره ۲۱، شماره ۱، ۸۱-۱۰۴.
- خوردندی، علی (۱۳۹۵). آموزش عالی بین‌المللی، استراتژی‌ها و شرایط امکان. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. حداد، وادی؛ دمسکی، تری (۱۳۸۸). فرایند برنامه ریزی، سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش (یک چارچوب کاربردی). ترجمه غلامرضا گرائی نژاد و رخساره کاظم. تهران: انتشارات مدرسه.
- طباطبایی، سید علی (۱۳۹۲). راهکارهای ارتقای همکاری‌های علمی بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور (با تأکید بر دانشگاه آزاد اسلامی). فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۹، ۲۴۵-۲۱۶.
- سالار آملی، حسین (۱۳۹۴). چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی بین‌المللی شدن آموزش عالی در دوره پسا برجام. سمینار دانشگاه بین‌المللی در ایران و سیاست پیش رو. در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بین‌المللی شدن، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، ۲۷۵-۲۵۹.





سند چشم انداز بیست ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۴۰۴) (۱۳۸۴). تهران: مجمع تشخیص مصلحت.

سند نقشه جامعه علمی کشور (۱۳۸۹). تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

سند سیاست های کلی علم و فناوری (۱۳۹۳). قابل دستیابی در

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=27599>

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۲). نقد مدل سیاستگذاری آموزش عالی در ایران. قابل دستیابی در

<http://farasatkah.blogspot.com>

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۸-۱۳۸۴ (۱۳۸۵). سازمان برنامه و بودجه. مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.

قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴-۱۳۹۰ (۱۳۸۹). معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.

قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۰-۱۳۹۶ (۱۳۹۶). سازمان برنامه و بودجه. مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.

قلی پور، رحمت اله و همکاران (۱۳۸۹). بررسی تاثیر سیاست پژوهی در فضای سیاستگذاری (مطالعه موردی در مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی). نشریه مدیریت دولتی، دوره ۲، شماره ۴، ۱۴۴-۱۲۷.

قلی پور، رحمت اله و همکاران (۱۳۹۱). طراحی مدل عوامل موثر بر استفاده از سیاست پژوهی در سیاستگذاری. فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۷۰، ۱۳۲-۱۰۴.

عباسی، طیبیه، احمدی، هانی (۱۳۹۶). توسعه مدلی برای اندازه گیری انسجام خط مشی های حوزه علوم، تحقیقات و فناوری. فصلنامه سیاستگذاری عمومی، سال سوم، شماره ۲، ۱۳۳-۱۱۷.

ماژزاک، آن (۱۳۷۹). روش های سیاست پژوهی، ترجمه هوشنگ نائبی، تهران: نشر تبیان.

وحید، مجید (۱۳۸۸). سیاستگذاری عمومی. نشر میزان

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۵). همکاری های علمی بین المللی (سخن آمارها). وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

Abbasi, K. (1999). *The World Bank and World Health: Focus on South Asia II- India and Pakistan*. *British Medical Journal*. 318:1132-1135.

Altbach, P., Reisberg, L., & Rumbley, L. (2009). *Trends in Global Higher Education: Tracking an Academic Revolution. A Report Prepared for the UNESCO 2009 World Conference on Higher Education*. Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.

American Council on Education. (2011). *Strength Through Global Leadership and Engagement: U.S. Higher Education in the 21st Century. Report of the Blue Ribbon Panel on Global Engagement*. Washington, DC: American Council on Education.

De Wit, H., (2002). *Internationalization of higher education in the United States of America and Europe: A historical, comparative and conceptual analysis*. Westport: Greenwood Publishing Group.

- Hermans, L. M., & Cunningham, S. W. (2012). *Actor Models for Policy Analysis. International Series in Operations Research & Management Science*, 185–213.
- Haddad, W., & Demsky, T. (1995). *Education policy-planning process: An applied framework. Paris: UNESCO, International Institute for Educational Planning.*
- Hoy, W. K., & Tarter, C. J. (2008). *Administrators solving the problems of practice. Boston, MA: Pearson Education, Inc.*
- Hudzik, J. K. (2013). *Changing Paradigm and Practice for Higher Education Internationalisation..In H.de Wit, An introduction to higher education internationalization (47-60). Milano: Centre for Higher Education Internationalization . Universita Cattolica Del Sacro Cuore.*
- Knight, J. (2015). *New rationales driving internationalization. International Higher Education*, (34).
- Knight, J. (1994), *Internationalization: Elements and checkpoints (Research Monograph, No. 7), Ottawa, Canada: Canadian Bureau for International Education.*
- Lindblom, C.E. (1968): *The Policy Making Process. New Jersey: Prentice Hall. p. 44.*
- Qiang, Z. (2003). *Internationalization of Higher Education Toward a Conceptual Framework. Policy future in Education, Vol.1, No. 2, pp.248-70.*
- Malek Mohammadi, H. (2014). *The Ill-Balanced Triangles of the Islamic States in Crisis. The Quarterly Journal of Political Studies of Islamic World, vol. 3(8.9). pp:121-127.*
- Mackintosh, M. (1992), *Questioning the State. In Wuyts, M., Mackintosh, M. and Hewitt, T. (eds.). Development Policy and Public Action. Open University Press. Milton Keynes.*
- Mazmanian, D. & Sabatier, P. (1979), *The Conditions of Effective Implementation, Policy Analysis, 5, no. 4.*
- Van Damme, D. (2002) *Higher Education in the Age of Globalization, UNESCO/IAU, Globalization and the Market in Higher Education: Quality, Accreditation and Qualification,*  
<http://unesdoc.unesco.org/images/0022/002277/227729E.pdf>
- Walt G, Gilson L (1994). *Reforming the health sector in developing countries: the central role of policy analysis. Health policy and planning. 1994;9(4):353- 370. [PubMed].*
- Walt, G. (1994). *Health Policy-An Introduction to Process and Power. Zed Book. London.*
- Zolfaghari, A.; Sabran, S.; Zolfaghari, A. (2009). *Internationalization of higher education: Challenges, strategies, policies and programs. US-China Education Review, Volume 6, No.5 (Serial No.54).*
- Sabatier, A., Weible, M. (2014). *Theories of the policy process. Avalon Publishing.*  
<https://cisc.msrt.ir/>  
<https://www.msrt.ir/>  
<https://www.atf.gov.ir>

پی‌نوشت:

- <sup>1</sup>. Zolfaghari
- <sup>2</sup>. Knight
- <sup>3</sup>. Altbach
- <sup>4</sup>. Van Damme
- <sup>5</sup>. Quiang
- <sup>6</sup>. American Council of Education (ACE)
- <sup>7</sup>. Hudzik
- <sup>8</sup>. Internationalization cycle
- <sup>9</sup>. Awareness
- <sup>10</sup>. Commitment



- 
۱۱. *planning*
۱۲. *Operationalize*
۱۳. *Review*
۱۴. *Reinforcement*
۱۵. *Haddad & Demsky*
۱۶. *Walt & Gilson*
۱۷. *Policy analysis triangle*
۱۸. *Context*
۱۹. *Content*
۲۰. *Process*
۲۱. *Actors*
۲۲. *Situational Factors*
۲۳. *Structural Factors*
۲۴. *Cultural- Social factors*
۲۵. *Global Factors*
- ۲۶ این آیین نامه از طرف شورای انقلاب فرهنگی در تاریخ ۹۰/۲/۱۸ به دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ابلاغ شده است.
- ۲۷ این آیین نامه از طرف وزارت علوم در تاریخ ۹۴/۰۶/۱۷ به دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ابلاغ شده است.
۲۸. *Macro*
۲۹. *Micro*
۳۰. *Malek Mohammadi*
۳۱. *Actors*
۳۲. *players*
۳۳. *stockholders /Interest groups*
۳۴. *Professional Bodies*
۳۵. *Organizations*
۳۶. *Individuals*
۳۷. *The key determinant of a policy change is the group of actors involved, and the focus is often on government*
۳۸. *Weible*
۳۹. *Hermans*
۴۰. *Multi -actor systems and processes*
۴۱. *Policy elites*
- ۴۲ <https://www.atf.gov.ir/fa/news/۵۸۶>
- ۴۳ <https://www.atf.gov.ir/>
۴۴. <https://www.atf.gov.ir/fa/news/۵۸۷>
۴۵. <https://cisc.msrt.ir/>
۴۶. همان منبع ۴۶.
۴۷. *policy research*
۴۸. *knowledge-policy nexus*
- ۴۹ <http://www.cissc.ir/>
۵۰. *Individual citizens*
- ۵۱ <https://cisc.msrt.ir/>